فصلنامه مطالعات محیط زیست، منابع طبیعی و توسعه پایدار
سال نهم، شماره ۲ (پیاپی: ۳۱)، تابستان ۱۴۰۴
ISSN: 2588-4255

جرائم زیست محیطی در نظام کیفری ایران و ابعاد آنها

محمد منقوش*[۱]، سیده فاطمه موسوی چمانی[۲]، امیرمحمد ستاوند[۳]

تاریخ دریافت: ۱۴۰۴/۰۵/۰۲
تاریخ پذیرش: ۱۴۰۴/۰۶/۲۵
کد مقاله: ۲۷۸۹۱

چکـیده

لزوم مقابله با جرایم و تعرضات نسبت به محیط زیست همواره مورد توجه نظام قضائی ایران بوده است و تاکنون، مقررات و اقدامات متعددی در قالب سیاست های تقنینی و قضائی در قبال جرایم این حوزه اتخاذ شده است که از اثربخشی و بازدارندگی موثری برخوردار نیستند. این مطالعه با هدف تحلیل جایگاه جرائم زیست محیطی در نظام کیفری ایران و ابعاد آنها ارائه شده است. روش تحقیق در این پژوهش به صورت توصیفی ـ تحلیلی از طریق مطالعات کتابخانه ای اعم از کتب، مقالات و پژوهش هائی است که مرتبط با موضوع بوده و در راستای اهداف مقاله بوده اند. به طور کلی در سطح قضائی، چالش هائی همچون فقدان راهبرد و خط مشی قضائی در خصوص محیط زیست، اطاله دادرسی در رسیدگی به جرایم و دعاوی زیست محیطی و همچنین عدم اتخاذ رویکرد مشارکتی به چشم می خورند که قابلیت اخلال در انجام رسالت مقامات قضائی به منظور تضمین ضمانت اجراهای حقوق محیط زیست را خواهد داشت . از طرف دیگر بطور کلی قوانین کیفری ایران در حوزه محیط زیست از رویکردهای جهانی فاصله دارد و توجه به اسناد بین المللی و کنوانسیون ها در تدوین قوانین زیست محیطی از اهمیت فراوانی برخوردار است. لذا علاوه بر ایجاد یک رویکرد منسجم و یکپارچه در قوانین کیفری، توجه به اسناد بین المللی و همگامی با رویکردهای بین المللی نیز باید مورد توجه قانونگذار ایران باشد.

واژگـان کلـیدی: جرائم زیست محیطی، محیط زیست، منابع طبیعی، نظام کیفری.

۱- دانشجوی دکتری حقوق بین الملل، دانشگاه آزاد اسلامی واحد دامغان، ایران (*M.manghoosh@gmail.com*)
۲- کارشناسی فقه و مبانی حقوق اسلامی، دانشگاه گنبد، گنبد کاووس، ایران (*Musvifatemeh@gmail.com*)
۳- کارشناسی فقه و مبانی حقوق اسلامی، دانشگاه گنبد، گنبد کاووس، ایران (*Amir.m.s1919@gmail.com*)

۱- مقدمه

امروزه تخریب محیط زیست مستقیماً بر روند اقتصادی کشورهای جهان تأثیر گذار است. فرسایش خاک، نازک شدن لایه ازن، آلودگی هوا، افزایش تعداد سیلابهای خطرناک به علت نابودی جنگلها و تغییر آب و هوا همگی تأثیر سویی بر زندگی انسان‌ها باقی می‌گذارند. چراگاه‌ها و اقیانوس‌ها تا سر حد امکان مورد بهره‌برداری قرار گرفته‌اند و پیوسته از باروری آنها کاسته شده است. ابعاد بحران زیست محیطی که انسان امروز با آن دست در گریبان است به قدری گسترده و حتی مخوف است که آدمیان احساس می کنند برای حفظ حق حیات خود در مقابل ماشین ها و کارخانه ها چاره ای ندارند جز اینکه دست به دامان قضات و محاکم بشوند. اصطلاح محیط زیست گرچه در هیچ یک از کنوانسیونها، معاهدات و بیانیه های مهم بین المللی تعریف نشده است ، اما در یک نگاه کلی می توان گفت که محیط زیست به همه شرایط و عوامل فیزیکی، اقتصادی، فرهنگی، اجتماعی و زیباشناختی اطلاق می شود که اشیاء و اموال موجود در کره زمین در حیطه آن قرار دارد و بر مطلوبیت و ارزش آن اموال و نیز کیفیت زندگی بشر اثرگذار است. مدتهاست که علاج این گونه نابسامانی ها که سلامتی بشر را به خطر انداخته ، فکر انسان را به خود مشغول داشته و نشستهای بین المللی متعددی را شکل داده است که به کنفرانس «محیط زیست انسان» و کنفرانس «محیط زیست و توسعه» (معروف به «اجلاس زمین») که به ترتیب در شهرهای استکهلم (سوئد) و ریودوژانیرو (برزیل) در سالهای ۱۹۷۲ و ۱۹۹۲ توسط سازمان ملل برگزار شدند، به عنوان سرآمد این نشستها می توان اشاره کرد.

قوانین مربوط به حفظ از محیط زیست یکی از موضوعات مهم در زمینه محیط زیست است. در این زمینه قوانین کیفری می توانند نقش بسیار مهم در حفظ، نگهداری، پایداری و توسعه محیط زیست ایفاء نمایند. آنچه که در زمینه قوانین کیفری محیط زیست دارای اهمیت است میزان کارایی آنها و شناخت قوت و ضعف های موجود است (غلامیان حسین آبادی و همکاران، ۱۴۰۱).

آنچه از بررسی قوانین داخلی مشخص است آن است که قانونگذار کشور ما رویه یکسان و منسجمی در قبال جرایم زیست محیطی اتخاذ نکرده است (حاجی قاسمی اردبیلی و میلانی، ۱۳۹۸).

۲- بیان مسأله

محیط زیست در دو مفهوم به کار برده می‌شود یکی مفهومی که از علوم طبیعت ناشی می‌شود و تحت عنوان «محیط زیست طبیعی» معرفی شده و دیگری در تعامل با ساز و کارهای انسانی است که با عنوان «محیط زیست انسانی» از آن نام برده می‌شود و هر دو عنوان فوق طیف گسترده‌ای از موضوعات مختلف را زیر پوشش خود دارد. محیط زیست به معنای عام شامل کل منابع طبیعی تجدیدشونده شامل جنگل‌ها، مراتع، منابع آبی و.... بوده وطیف وسیع و گسترده‌ای از تعاریف تخصصی مربوطه را در بر می‌گیرد که همین امر در تفسیر ماهوی مربوطه به معنای قانونی محیط زیست اشکال‌هایی را به وجودآورده چرا که همین متن حقوقی محیط زیست رابه صورت جامع ومانع تعریف نکرده است و قوانین موجود تعریفی از آن ارائه نداده‌اند بلکه در آنها از محیط زیست در رابطه با سه عنصر برخی از قوانین و مقررات موضوعه مانند قانون حفاظت و بهسازی محیط زیست، قانون حفاظت و بهره برداری از جنگل‌ها و مراتع کشور، قانون شکار و صید، قانون نحوه جلوگیری از آلودگی هوا، قانون شهرداری و.... اشاره کرد. (قوه قضائیه، مجموعه مقالات نخستین همایش حقوق محیط زیست ، ۱۳۸۴).

۳- اهمیت موضوع

ظرفیت اکوسیستم ها برای پذیرش تغییرات در محیط زیست محدود است اگرچه طبیعت خود دارای توانایی مقابله با تغییرات است ولی امروزه مشخص شده است که سرعت بازسازی طبیعی در حد تخریب ها نبوده و در نتیجه فرآیند تخریب محیط به صورت غیر قابل گذشتی در حال پیشروی است. البته در فرآیند توسعه نمی توان انتظار داشت که بدون تغییرات در محیط رشد صنعتی و اقتصادی امکان پذیر گردد.

متخصصان محیط زیست نیز به دنبال چنین امر محالی نیستند. لیکن این حقیقت نیز برای همه روشن شده که بدون رعایت اصول توسعه پایدار و حفظ محیط زیست نمی توان آینده مطلوبی را برای نسل حاضر و نسل های بعد تصور کرد.

ادبیات و پیشینه تحقیق

جمهوری اسلامی ایران در فرآیند توسعه پایدار صنعتی به کنترل آلودگی های محیط زیست اهمیت داده و به موجب قوانین و مقررات کشور آلودگی های صنعتی اعم از جامد.مایع و گاز باید تحت کنترل باشند. رعایت این قوانین و مقررات برای کلیه صنایع ضروری است. (تقی‌زاده انصاری، ۱۳۷۶)

آلودگی های صنعتی فشار مضاعفی بر اکوسیستم ها و به عبارتی تنوع زیستی وارد می کنند و بدون اتخاذ تدابیر فوری این روند برگشت ناپذیر جهانی فقیر از لحاظ بیولوژیک را برای نسل های آینده به ارث خواهد گذاشت (افتخار جهرمی ، ۱۳۸۴).

۴- تعریف جرم زیست محیطی

جرم زیست محیطی هر نوع فعلی یا ترک فعلی را گویند که سبب ورود آسیب و صدمه شدید به محیط زیست و به خطر افتادن جدی سلامت بشر می‌شود. حقوق محیط زیست و منابع طبیعی به واسطه ارتباط تنگاتنگ با علوم و تکنولوژی عمیقاً تحت تاثیر آنها قرار گرفته و به همین علت درک مسایل آن مستلزم اطلاعات اولیه در محیط زیست است (تقی زاده انصاری،۱۳۹۴).

با توجه به مفهوم رایج و متداول محیط زیست که بیان کننده همه فعالیت‌ها و رابطه متقابل بین انواع موجودات زنده از جمله انسان با محیط پیرامونشان است این نتیجه حاصل می‌شودکه حقوق محیط زیست علاوه بر زیر پوشش قرار دادن تمام رشته های مختلف حقوق کلاسیک شامل حقوق خصوصی، حقوق عمومی، حقوق بین‌الملل و آن قسمت از حقوق را که سعی دارد مفهوم محیط زیست را در تمام قسمت‌های حقوقی وارد کند نیز در بر می‌گیرد. به همین دلیل حقوق کیفری محیط زیست جزیی یا کلی شامل بخش‌های متعدد از مقرراتی می‌شود که یا با ملاک‌ها و محک‌های تاسیس یا با محک‌های مادی و تعریف محیط زیست تأکید دارند (قاسمی ، ۱۳۸۱).

۵- جایگاه حقوق محیط زیست در نظام کیفری ایران

بی‌تردید اهمیت و جایگاه حقوق محیط زیست به بهترین شکل آن در اصل پنجاهم قانون اساسی متبلور شده و پیام آور این مهم است که مسائل زیست محیطی یک امر کاملا فرابخشی بوده باید همه آحاد جامعه علی‌الخصوص سازمان‌ها و دستگاه‌ها هر یک به فراخور توان و کارایی تشکیلات خود در حفظ و نگهداری از محیط زیست به عنوان یک وظیفه عمومی از هر فعالیتی که با آلودگی و یا تخریب غیر قابل جبران محیط زیست همراه باشد.

حاکی از آن است که نخستین قوانین و مقررات مرتبط مانند مواد ۱۷۹و۱۸۹ قانون مدنی مصوب (۱۳۰۷/۲/۱۸) قانون شکار (مصوب ۱۳۳۵/۱۲/۴) و قانون شکار و صید مصوب ۱۳۴۶/۳/۱۶ صرفا در ارتباط با محیط زیست طبیعی بوده و اولین قانون جامع که به طور نسبی در خصوص همه ابعاد محیط زیست که تغییرات ساختار تشکیلات سازمان حفاظت محیط زیست را نیز در پی داشت به تصویب رسید قانون حفاظت و بهسازی محیط زیست در مورخ ۱۳۵۳/۳/۲۸ است خودداری کنند. در قانون برنامه اول توسعه، جهت جلوگیری از آلودگی محیط زیست وجبران خسارت وارده راهکارخاصی در قالب تبصره ۱۳ این قانون لحاظ شده است. به طوریکه یک در هزار در آمد حاصل از فروش تولیدات کارخانجات و کارگاه‌های کشور به این امر اختصاص یافته و با توجه به اهمیت موضوع با پایان مدت اعتبار قانون اول توسعه، موضوع در بند (د) ماده ۴۵ قانون وصول برخی از درآمدهای دولت و معرف آن در موارد معین تکرار شده است (قاسمی ، ۱۳۸۱).

در حال حاضر در نظام حقوقی ایران با پیش بینی ماده ۲۵ قانون آیین دادرسی کیفری مصوب ۱۳۹۲ [۱] شاهد گسترش دادسراهای تخصصی هستیم این ماده به رییس قوه قضاییه این اختیار را داده است که اقدام به تشکیل دادسراهای تخصصی نماید که در واقع پیام آور بحث افتراقی شدن و فنی شدن رسیدگی ها در مرحله پیش دادرسی به ویژه در جرایمی است که مجرمین آن از حالت خطرناکی بالایی برخوردارند. در قانون آیین دادرسی کیفری مصوب ۱۳۹۲ یکی از بسترهای قانونی افتراقی سازی دادگاه ها ماده ۵۶۶ است که مقنن به موجب این ماده این ظرفیت را ایجاد کرده است تا مراجع قضایی به سمت افتراقی سازی دادگاه ها پیش بروند از آنجا که وظیفه قوه قضاییه حسب اصول شصت و یکم و یکصد و پنجاه و ششم قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران حفظ حقوق عمومی احیای حقوق عامه و نظارت بر حسن اجرای قوانین است اما متاسفانه در جهت تشکیل دادگاههای تخصصی زیست محیطی در تمامی شهرستانها گام برداشته نشده است. پرواضح است که یکی از حقوق عامه که همگان از آن بهره مند می شوند، حق بر محیط زیست سالم و ایمن است تضمین حفاظت از این حق برخوردی تخصصی و افتراقی را می طلبد و یکی از حوزه های افتراقی سازی تشکیل دادگاههای تخصصی در جرایم زیست محیطی است (رحیمی نژاد، ۱۳۹۹).

۶- جرائم زیست محیطی

به طور کلی جرائم زیست محیطی را با توجه به ماهیتشان به دو گروه عمده تقسیم‌بندی می‌کنند:

الف) جرائم ارتکابی نسبت به جاندار محیط زیست منهای انسان شامل همه جانداران گیاهی و حیوانی می‌شود بر طبق قانون حفاظت و بهسازی محیط زیست از جمله وظایف سازمان حفاظت محیط زیست پیشگیری و ممانعت از هر آلودگی و هر اقدام مخربی که موجب بر هم خوردن تعادل و تناسب محیط زیست می‌شود. همچنین تمام امور مربوط به جانداران وحشی و آبزیان

[۱] ماده ۲۵ به تشخیص رئیس قوه قضاییه دادسراهای تخصصی از قبیل دادسرای جرائم کارکنان دولت جرائم امنیتی جرائم مربوط به امور پزشکی و دارویی رایانه ای اقتصادی و حقوق شهروندی زیر نظر دادسرای شهرستان تشکیل می شود. تمام مراجع قضایی موضوع این قانون مکلفند با توجه به نوع دعاوی به تخصیص شعبه یا شعبی از مراجع قضایی برای رسیدگی تخصصی اقدام کنند.

آب‌های داخلی است و بر طبق بند ۲ ماده ۶ همان قانون تخریب جنگل‌ها و مراتع نیز از جمله مواردی است که باعث بر هم خوردن تعادل در محیط زیست شده و بنابراین عملی مجرمانه محسوب می‌شود.

ب) جرائم ارتکابی نسبت به عناصر بی جان محیط زیست از قبیل آب و هوا، خاک، صدا و آلودگی‌های شیمیایی. با توجه به تعداد قوانینی که با مسائل زیست محیطی به معنای عام آن مرتبط هستند در این راستا و قوانین ناسخ و منسوخ، عام وخاص، مطلق و مقید وجود داردکه قانونگذار با توجه به اهمیت موضوع مواردی از قانون مجازات اسلامی مانند:

۶۸۹،۶۸۸،۶۸۶،۶۸۰،۶۷۹،۶۷۵ را به این مهم اختصاص داده است. نتایج بررسی‌های چند ساله اخیر حاکی از آن است که اغلب دعاوی مطرح شده از طرف ادارات کل حفاظت محیط زیست علیه واحدهای تولیدی و صنعتی که به نحوی آلاینده به چرخه محیط زیست وارد می‌سازند به استناد ماده ۶۸۸ قانون مجازات اسلامی بخش تعزیرات است (زراعت ، ۱۳۷۷).

ابعاد موضوعی ماده ۶۸۸ قانون مجازات اسلامی به شرح زیر قابل بررسی است:

۱. عنصر مادی این جرم: اقدام علیه بهداشت عمومی و آلوده کردن محیط زیست است که به روش ذکر شده در متن این ماده و راه‌های مشابه محقق می‌شود. راه‌های مذکور در ذیل مفاد تبصره یک جنبه تمثیلی داشته بنابراین هر گونه اقدم دیگری نیز به تشخیص وزارت بهداشت، درمان و آموزش پزشکی و سازمان حفاظت محیط زیست، بهداشت عمومی را تهدید یا محیط زیست را آلوده کند مشمول این ماده خواهد بود.در تبصره (۲) ماده مذکور اقدام علیه بهداشت عمومی و آلودگی محیط زیست به صورت کلی تبیین و آن را در حیطه چهار عنصر آب و هوا، خاک و زمین محاط کرده است.

با نگاه اول به مفاد تبصره یک ماده ۶۸۸ ممکن است این نتیجه حاصل شود که اعلام مجرم موضوع این ماده فقط درصلاحیت وزارت بهداشت، درمان وآموزش پزشکی و سازمان حفاظت محیط زیست است.

۲ . اما با توجه به این که جرم مزبور بر اساس مفاد ماده ۷۲۷ قانون مجازات اسلامی از آن دسته جرایم غیر قابل گذشت است و حتی در اغلب موارد اشخاص دیگری اعم حقیقی و یا حقوقی از این جرم متضرر می‌شوند بنابراین اعلام جرم و تعقیب آن از سوی سایر اشخاص نیز ممکن است همچنین مراجع مذکور به عنوان شاکی خصوصی که حق گذشت داشته باشند محسوب می‌شود.

۳. تشخیص اینکه اقدام انجام شده تهدید علیه بهداشت عمومی و آلودگی محیط زیست است یا خیر بر اساس مفاد مندرج در ذیل این ماده از وظایف قانونی وزارت بهداشت درمان وآموزش پزشکی و سازمان حفاظت محیط زیست بوده ولی عمل انجام شده زمانی قابل تعقیب است که قبلا از سوی مراجع صدرالذکر تعیین و اعلام شود و کارشناسان ذیصلاح وزارت وسازمان مذکور فقط عمل ارتکابی را با مقررات اعلام شده تطبیق بدهند اما اگر عملی بعنوان اقدام علیه بهداشت عمومی و محیط زیست تعیین نشده باشد و کسی مرتکب آن شود، و سپس کارشناسان مزبور در پاسخ استعلام مرجع قضایی آن را اقدام علیه بهداشت یا محیط زیست اعلام کند، با اصل قانونی بودن جرائم و مجازات‌ها مغایر است (شریعت پناهی ، ۱۳۸۳).

۴. احتمال ارتکاب جرایم مصرح در ماده ۶۸۸ توسط اشخاص حقیقی و حقوقی و یا عمومی وخصوصی وجود دارد. به طور مثال اگر شهرداری به عنوان متولی جمع‌آوری و تخلیه زباله‌های شهری هرگونه اهمال یا سهل انگاری در موضوع نماید که منجر به آن شود که زباله‌ها جمع‌آوری نشود مشمول حکم این ماده خواهد بود (آریان پور ، ۱۳۵۰).

۷- برقراری نظام کیفری برای حفظ مؤثر محیط زیست

با توجه به گذشت زمان و در طی سالیان گذشته افزایش اطلاعات نسبت به اهمیت محیط زیست در اکثر کشورهای در حال توسعه به صورت صعودی بیشتر شده و در کنار سازمان های دولتی، مردم یا به طور فردی و یا به صورت تشکیلات مردم نهاد، در راه حفاظت و حمایت از محیط زیست و پیشگیری از فعالیتهایی که موجب تخریب آن شده، اقدامات و فعالیتهای بسیاری را انجام داده اند (آباراکیویت[1] ، ۲۰۱۴: ۵۴).

بسیار پرواضح است در کنار این روشهای فرهنگی و اجتماعی، احتیاج کامل به برخورد بازدارنده توسط مراجع ذیصلاح قضایی نیز ضروری بوده و کاملاً احساس می شود.

بدون شک بدون مساعدت و همکاری لازم قوه قضائیه، فعالیتهای سازمان های دولتی و غیر دولتی در حمایت و حفاظت از محیط زیست مثمرثمر نبوده و تأثیرگذار نیست. مسائل کیفری، از حمایت های جدی تر و دقیق تری برخودار می باشد که مفهوم این عبارت این است که بعد از روی دادن یک فعل مجرمانه ای که باعث تخریب و آسیب محیط زیست گردیده اقدام به تعقیب و بازخواست و مجازات مجرم پرداخته و با مخاطی برخورد قانونی می نماید (نجفی برندآبادی ، ۱۳۹۵: ۴۳).

1 Abaraviciute

با توجه به این که در کشور ما قانون جامع محیط زیست تصویب نشده و از نبود قانونی خاص در این خصوص رنج می بریم اما در اکثر این قواعد و مقررات به موضوع مهم و حیاتی محیط زیست به طور مستقیم پرداخته که به طور نمونه می توان به قانون شکار و صید، قانون حفاظت و بهسازی محیط زیست، قانون هوای پاک ، قانون حفاظت، احیاء و مدیریت تالاب های کشور ، قانون مدیریت پسماندها ، قانون مجازات اسلامی، قانون معادن، قوانین برنامه توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی جمهوری اسلامی ایران و قانون احکام دائمی برنامه های توسعه کشور نام برد و قوعد و مقرراتی را در این قوانین یافت که حول محور محیط زیست بوده و به حمایت از محیط زیست پرداخته و با متخلفان نیز برخورد قانونی نموده است.

در واقع حمایت کیفری از محیط زیست، صرفاً زمانی مؤثر بوده و اهمیت خود را نشان می دهد که کلیه مرتکبین جرائم یادشده به ویژه اشخاص حقوقی نیز شامل ضمانت های کیفری نظام قضایی شده و بازخواست گردند، زیرا جرائم زیست محیطی بیشتر توسط اشخاص حقوقی اعم از شرکت های بزرگ خصوصی و یا مؤسسات دولتی اتفاق می افتد و از افراد عادی کمتر این جرائم را شاهد هستیم (ایزدی خواه،۱۳۹۴ : ۹۹).

بنابراین به وجود آوردن نظام کیفری جهت حفظ مؤثر محیط زیست لازمه ی معین نمودن سازمان و ساختار جزایی کامل و پرکاربرد بوده تا مقامات قضایی با مستند قرار دادن و ارتباط به آن قادر شوند احکام لازم را صادر نمایند و بسیار پر واضح می باشد که کارایی سیستم جزایی بستگی به میزان مطابقت آن با اتفاقات و حوادث پیش آمده داشته و با آنها مرتبط است.

هرچند که با سپری شدن چندین دهه ، کارها و اعمال متفاوتی جهت جلوگیری از تصرف و تخریب سرزمین های مورد حمایت و محافظت شده انجام گرفته است، ولی شواهد، خود نشان دهنده این است که این موارد و اعمال بدون هیچ گونه تأثیری و بدون هیچ تغییر مهم بوده و هرگز پاسخگوی این حجم از آسیب ها و مشکلات به وجود آمده در زمینه محیط زیست نیست (نجات، ۱۳۹۴: ۱۷۷).

زیرا در واقع سرزمین های این بخشها، علیرغم وجود بعضی از حمایتهای مدنی و حقوقی و کیفری و قواعد و اصول ذیربط همچنان درگیر مشکلات و ضررهای ناشی از دخل و تصرف ها بوده و بیان نمودن دلیل این عدم موفقیت، نقش بسیار مؤثر و کلیدی در مدون نمودن ساختار حمایت کیفری از محیط زیست خواهد داشت. در ادامه با تفکر و تعمق در قوانین جزایی و جرائم زیست محیطی کشور ایران کاملاً قادر بوده تا نظاره گر این آسیبها باشیم تا بعضی از جرم انگاریهای اتفاق افتاده و آسیبهای زیست محیطی حاضر مقید به ورود آسیب به عنوان نتیجه گردیده، چه بسا که با مورد توجه قرار دادن و تأکید بر مؤثر بودن عمدتاً غیرقابل جبران جرائم زیست محیطی، دخالت جزائی و مقابله کیفری پیش از بدست آمدن نتیجه در قالب برقراری و ایجاد جرائم مطلق و همچنین پیش بینی«جرائم مانع» در جهت پیشگیری و متوقف نمودن از بروز جرائم بیشتر و عمیق تر و پیامدهای مخرب زیست محیطی، واجب بوده و کاملاً ضروری می باشد (رمضانی قوام آبادی ، ۱۳۹۰: ۲۱۰).

۸- تحولات نظام حقوق کیفری محیط زیست

از نظر حقوق محیط زیست، می توان قوانین و مقررات موجود را به سه طبقه که در بر گیرنده قواعد و مقررات پیشگیری کننده، قوانین و مقررات حمایتی و قوانین و مقررات تضمینی طبقه بندی کرده و هریک را در گروه خاص خود جای داد چرا که درارتباط با موضوعات خاص خود می باشد. طبقه نخست، دربرگیرنده قانون اساسی و سیاستهای اصلی و کلی حکومت و رژیم بوده و قواعد و مقررات حمایتی دربرگیرنده قوانین جزایی و مالیاتی می باشد و قوانین تضمینی نیز دربرگیرنده قواعد و مقررات ویژه و ضروری محیط زیست می باشد (خانپور، ۱۳۹۱ : ۶۶).

می توان با قاطعیت عنوان نمود که بدون تردید رابطه و میزان و چگونگی کاربرد و استفاده این قواعد و مقررات اثرگذاری مستقیم در جهت تثبیت و محافظت و جلوگیری از تخریب محیط زیست به ویژه دخل و تصرف سرزمین های محافظت شده و تحت کنترل دارد.

تصرف غیرمجاز سرزمین های ملی از جمله سرزمین های مناطق تحت حفاظت، پیامدها و نتایج وسیعی در حوزه های اقتصاد، مسکن، کشاورزی، محیط زیست و منابع طبیعی به دنبال خود همراه خواهد داشت و موجب از میان رفتن ثروت ملی به سود طبقات و گروههای ویژه ای گردیده است، از طرف دیگر دخل و تصرف سرزمین های مناطق تحت حفاظت و جنگل ها و حتی حاشیه رودخانه و دریا که تخریب و ویرانی محیط زیست را به دنبال خود خواهد داشت، از جمله نگرانی های مهم و اساسی مردم و دولت به حساب آمده به صورتی که متوقف نمودن و ایستادگی و مبارزه جدی با این موضوع و اتفاق شوم، تکلیف مهم و اساسی حاکمیت بوده که با نقش کلیدی خود باعث ریشه کن سازی این قبیل آسیبهای زیست محیطی می گردد (عابدی ،۱۳۹۳: ۱۰۷).

هرچند که هم اکنون بعضی از ابزارهای حمایت حقوقی از سرزمین های تحت حفاظت موجود بوده و دیده می شود، اما نیاز اصلی مدون نمودن یک سیستم جامع و کامل دقیق و مرتبط حقوق کیفری با توجه به ویژگی ها و اتفاقات موجود، بیشتر از هر وقتی وجود داشته و الزامی بودن آن قابل درک است. معین نمودن ساختار و سازمان حقوق کیفری جهت تحت حمایت قرار دادن از

محیط زیست نخواهد توانست فارغ از بایسته ها و ملاحظات خاصی که وجود دارد و در حقوق این حوزه موجود است، بنابراین در مدون نمودن این ساختار و مصوب نمودن و وضع مجازات های زیست محیطی باید به عوامل مرتبط و متناسبی مثل سود ناشی از تحقق تخلفات زیست محیطی برای واحد آلاینده، میزان احتمال کشف جرم مورد نظر و نقش کلیدی و مؤثر اجرای مجازات مقرر در کمتر کردن سرمایه شرکت های متخلف و زیان کار، دقت نموده و آن را سرلوحه خود قرار بدهد.

گذر نمودن از ضمانت اجرای حقوقی و معین و مشخص ساختن ضمانت اجرای کیفری برای آن گروه از رفتارهایی که امنیت و سلامت جامعه را نشانه گرفته و مورد آسیب خود قرار می دهد، در تمامی ساختارها و رژیم های حقوقی مورد تأیید و پذیرش بوده و هرگونه اهانت و زیر پا قراردادن و آسیب رساندن به منافع عمومی در یک جامعه باعث موضع گیری اشخاص حقیقی و حقوقی در آن جامعه شده و مقوله ای است که از قدیم الایام مورد توجه و قابل پیگیری و همچنین دارای اهمیت و اعتبار تلقی می گردد. از کلیدی ترین و مهمترین نوع از انواع منافع عمومی، محیط زیست بی زیان و سالم می باشد که در پی اصل توسعه پایدار، واجد اهمیت ویژه و مؤثری می باشد. بدین لحاظ اعمال و افعالی که باعث به وجود آمدن خطر برای این منافع عمومی به ویژه سلامت انسانها می گردد؛ در قالب جرم، موضوع قوانین کیفری وجود دارد و ضمانت اجرای کیفری (مجازات) برای آن تعیین می گردد و با عنوان جرائم زیست محیطی تلقی شده و با مرتکب برخورد قانونی می شود. بی توجهی به اهمیت این موضوع معیارهای جرائم زیست محیطی و دوری از خلط ماهیت و مفهوم این جرائم با دیگر جرائم، باعث به وجودآمدن سردرگمی و تشتت در موضع گیری قانون گذار در برابر این طیف از جرائم می گردد. ویژگی دیگری از جرائم زیست محیطی که اندیشیدن بر آن از لحاظ ضابطه مند نمودن مؤلفه های این جرائم از اعتبار و جایگاه ویژه ای بهره مند می باشد، عنصر معنوی این جرائم می باشد. چرا که قانونگذار، بیشترشدن و یا کاهش بازخورد و واکنش کیفری به این جرائم را در بعضی نکات و مسائل حول محور سوءنیت خاص مجرمان و مرتکبان این جرائم قابل انتار دانسته و به آن توجه ویژه ای مبذول داشته است.

با همه این موارد و طبق نتایج هدف حقوق کیفری زیست محیطی برخورد و پیشگیری از ارتکاب آن گروه از نقض های زیست محیطی می باشد که قانون گذار آنها را از قبل به منزله جرم معرفی و اعلام می نماید و برای آنها مجازات تعیین می نماید.

۹- جرم انگاریهای جرائم زیست محیطی و سیاست کیفری ایران در خصوص جرم علیه محیط زیست

از لحاظ مصداق، حقوق کیفری در کیفیت و کیفیت حمایت کیفری از محیط زیست سردرگم و بلاتکلیف می باشد. جرم‌انگاری، مسؤول‌انگاری، کیفرگذاری و تصویب قوانین و اقدامات تأمینی ساده‌ترین و پیش پاافتاده ترین مصادیق حمایت کیفری از محیط زیست می باشند. «درواقع می تون عنوان نمود از اصول کلیدی و حیاتی در خصوص سیاست کیفری، پیش‌بینی مجموعه مقررات منسجم و منظم به جهت تأمین و برقراری اهداف آن می باشد»؛ اما در حوزه حقوق کیفری کشورها و همچنین کشور ایران جرم‌انگاری و کیفرگذاری به طور جسته و گریخته و کاملا متفرق و ازهم گسیخته شکل گرفته و وجود دارد اما تأثیر کلیی و مهم در حمایت کیفری از خود به جا نگذاشته است. علت مهم این موضوع، ضعف نظام مسؤولیت کیفری و نبودن اقدامات تأمینی در راستای مسؤولیت اجتماعی شهروندان در حول و حوش این مسائل می باشد. توسعه مسؤولیت کیفری و ترسیم مسؤولیت اجتماعی (تأمینی) را باید دو راهبرد اصلی و حیاتی در زمینه حمایت و پشتیانی از محیط زیست و سرزمینها و طبیعت در حقوق کیفری دانست که در این نوشتار صرفا به نظام مسؤولیت کیفری اشاره شده و حل این موضوع را مدنظر قرار داده ایم.

در نگاه سیاستگذار کیفری جمهوری اسلامی ایران در گستره جرائم ارتکابی که بر علیه محیط زیست به ویژه سرزمین های مناطق تحت حفاظت اتفاق می افتد در اکثر موارد به صورت قانونگذاری بروز یافته و جزء قوانین آمره در جهت حف محیط زیست آمده که البته از جهات متعدد پر از ایراد و اشکال بوده و جای بسی تأمل دارد. قسمتی از این ضعف ها و مشکلات به چگونگی و کیفیت جرم انگاریها از لحاظ ارکان تشکیل دهنده جرائم یادشده بوده و ارتباط مستقیم و بدون واسطه ای با آنها دارد (دبیری ، ۱۳۹۸ : ۱۰۷).

بدون تردید و قطعاً شناخت و بررسی و برطرف کردن مشکلات و ضعف های موجود و رفع ایرادات لازم و ضروری و همچنین از طرف دیگر و به روز کردن و متناسب سازی مقررات و قواعد همراه با استفاده از روش ها و راه حل های جدیدی که در زمینه حمایت کیفری وجود دارد، فعالان و اندیشمندان این زمینه و مشکلات را در برطرف نمودن کم و کاستی ها و مشکلات، هرچه بهتر مساعدت نموده و در جهت حل و فصل نمودن آنها چاره اندیشی های لازم را به کار می گیرند.

در نظر فعالان و اندیشمندان و متخصصان محیط زیست کشور ایران، مقررات و قواعد و سیاستهای کیفری که با محیط زیست در ارتباط است از کارایی مورد نیاز جهت کاهش و جلوگیری از جرائم زیست محیطی بهره مند نبوده و با ضعف شدیدی روبرو است. استنباط یزی که کاملاً برداشت از آن صحیح به نظر می رسد ذکر این موضوع مهم می باشد که این قواعد و مقررات بیشتر از آنکه به دنبال اغراض و مقاصد ملی باشد و آنها را پیگیری نماید، متأسفانه بیشتر به جزئیات دقت نموده و هیچ گونه دقت نظری به

حقوق اکثریت مردم نداشته و این موضوع مهم و اساسی موجب برخورد و تنش در مقررات و قواعد شده و از سوی دیگر نیز جلوی بسیاری از همکاری ها و متحدشدن ها را می گیرد.

باید گفت پیشگیری کیفری از جرائم زیست محیطی را می توان از دو لحاظ قابل بررسی و پیگیری دانست؛ از طرفی مشخص نمودن و برگزیدن ضمانت اجراهای کیفری باید مرتبط و در راستای با اصول متعدد و متفاوت حقوق کیفری و شدت جرائم ارتکابی مورد تحقیق و پیگیری علمی دانست و از طرف دیگر نیز، چگونگی و چند و چون روبرو شدن و عکس العمل قضات با مجازات هایی که در نظر گرفته شده و در قوانین کیفری وجود داشته و تخصص و احاطه آن ها در رسیدگی به جرائم زیست محیطی در همه مراحل دادرسی نیز بایستی به طور ویژه و کاملاً علمی تحت نظر باشد تا با دقت نظر در آنها زمینه لازم جهت بررسی های مختلف فنی و تخصصی به وجود بیاید (رمضانی ،۱۳۹۲: ۱۰۹).

ذکر این نکته نیز قابل تأمل است که درواقع یکی از معیارهای موفقیت یا عدم موفقیت ضمانت اجرای کیفری در عمل، به وجود آوردن بازدارندگی می باشد؛ یعنی اینکه اشخاص مجرم، مجدداً جرمی را مرتکب نشوند و دیگر تابعان حقوق کیفری نیز با توجه به نوع کیفری که وجود دارد و مدنظر است، ارتکاب جرم را به عنوان وسیله ای بر رسیدن به مقاصد خویش مورد لحا قرار دهد. چیزی که می توان با قاطعیت به آن اشاره کرد و بیان نمود ذکر این نکته است که در مورد جرائم زیست محیطی مهم بوده و جایگاهی مهم دارد آن است که اکثریت قریب به اتفاق جرائم زیست محیطی توسط اشخاص مطلع به دلیل دستیابی به منفعت بیشتر و با انگیزه و قصد پیشین اتفاق می افتد. لذا با ذکر همه این موارد اگر مجازات هایی که توسط قانونگذار مشخص و وضع گردیده این تعادل و تناسب را به نفع حفاظت از محیط زیست سنگین نکند، باید نظاره گر عدم اثرگذاری دقیق و مرتبط و متناسب مجازات ها در عمل بوده و مشکلی را حل نخواهد کرد..

۱۰- نقش سازمان حفاظت محیط زیست

مستندات و عوامل و نشانه های موجود در کشور ایران به طور وضوح نشان می دهد که تخریب محیط زیست و آسیب رساندن به سرزمینها ، طبیعت ، و تغییرات شدید آب و هوایی متأسفانه در حال افزایش یافتن و به صورت کاملاً صعودی و غیرقابل باوری آثار مخرب خود را برجای گذارده و سبب شدیدترین خسارات به انسانها میگردد. علل و اتفاقات متعددی در این زمینه وجود دارد که نقشی غیرقابل انکار در معضلات و نگرانی ها می افزاید و بر پیچیدگی های گذشته بار سنگینی را وارد می آورد. چنانچه درصدد لیتی از این مسائل و مشکلات باشیم در حوصله این مقاله و پژوهش نمی گنجد اما به صورت موردی ، مواردی همچون آلودگی های هوا در استان‌های مختلف، خشکی رودخانه‌ها و دریاچه‌هاء آلوده شدن آب‌های شیرین، زباله‌سوزی و غیره، همگی خود کاملاً گویای بروز و ظهور جرائم زیست‌محیطی در کشور می باشند که لزوم برخورد با خاطیان و جلوگیری از تکرار آنها کاملاً احساس می شود. درواقع این گونه جرائم اکثراً و در بیشتر موارد توسط اشخاص حقوقی و شرکت‌های دولتی و همچنین وابسته به دولت اتفاق می افتد که سهم بسزایی در تخریب محیط زیست را دارند. به‌طور نمونه از صنایع بزرگ دولتی در حوزه فولاد را می توان نام برد و یا حفاری معادن و ایجاد پروژه‌های بزرگی مانند میانکاله.

از سوی دیگر پروسه و سیر شدید و مستمر آلودگی‌هایی که نشأت گرفته از مراحل صنعتی شدن در ایران آلودگی اقتصادی و صنعتی، بهره‌برداری بیش از حد و خارج از عرف و مصرف ناپایدار از منابع حیاتی و اصلی و طبیعی، فعالیت‌های غیرعادلانه آلودگی‌های منابع محدود آب شیرین، خاک و هوا در شهرهای بزرگ باعث شد که انسانها جهت ایستادگی و جنگیدن با این تهدید اعمالی ضروری و مستحکم از روش گرفتن تصمیمات و تدابیر عاقلانه و با مطالعه از طریق علمی فکری بیاندیشد تا بیشتر جلوی عامل تخریب و آسیب را بگیرد. رواقع می توان بیان نمود که حقوق بعنوان پایه گذارترین و اصلی ترین سلاح و وسیله اجتماعی و فرهنگی در منظم نمودن و به چارچوب درآوردن روابط اجتماعی نقشی کلیدی جامع و اثرگذار را از خود به جا گذاشته و مورد قبول اکثریت قریب به اتفاق جوامع مختلف است. چرا که موجبات تنظیم و تشکیل اصول و هنجارهایی می شود که مسائل زیست محیطی را در شکل و چارچوبی منظم و اصولی به نظم درآورده و به آنها معنا ببخشد. تخریب و آسیب رساندن به محیط زیست در جوامع مختلف نیز دارای حالتها و اشکال و الگوهای مختلفی می باشد، مانند آلودگی‌ها (آب و خاک و هوا) و تخریب (جنگلها ومراتع و....) با بیان این موارد و نکات می توان جرائم زیست محیطی را طبقه بندی و کدگذاری نمود و حالتهای مختلف مانند جرائم ارتکابی نسبت به عناصر جاندار و بی‌جان که با دقت و تأمل نظر به شدت و ضعف آنها مجازات‌هایی را پیش بینی نموده و اعمال می نمایند. در جایی که لازم است عنوان نماییم باید به معنای منابع طبیعی یا سرمایه‌های محیط زیست همانند میراث مشترک بشر اهمی وکوشش شود ک داد و اعتباری اصیل تلقی نموده اسناد و مستنداتی که در ارتباط با قانون حفاظت محیط زیست هستند سهل تر و ساده‌تر شده، همچنین بایستی به سازمان حفاظت محیط زیست و اعتبار و صلاحیتی کامل و جامع و درخور شأن در این خصوص بخشید و آن را با اهمیت دانست و سازمانها و نهادهای دیگر نیز الزام به همگام شدن و همیاری با این سازمان مهم و اثرگذار گردند (بشیر زادگان ، ۱۳۸۴).

جایگاه کنونی این سازمان در حد و اندازه خویش مطلوب و مناسب و متعادل می باشد و علت منطقی برای پایین‌بودن جایگاه آن نسبت به وزارتخانه‌ها وجود ندارد. دوم اینکه، جایگاهی که هم اکنون این سازمان دارد و یا تبدیل و تغیر یافتن آن به وزارتخانه محیط زیست، تأثیر تعیین‌کننده‌ای در به وجود آمدن و شکل گیری معضلات و مسائل موجود در مدیریت حفاظت محیط زیست ندارد. دلیل سوم اینکه، با بیان و نمایش و بروز تفسیری پویا از جایگاه و نقش کلیدی این سازمان، می‌توان به راحتی به این نتیجه رسید که سازمان در اصل و در وقع یک نهاد ناظر می باشد و بایستی جهت اعمال وظیفه نظارتی و حاکمیتی خود، ابزارهای نظارتی و قدرت های لارم را داشته تا بتواند نقش اثرگذار خود را جهت کنترل و مبارزه و برخوردهای قانونی ایفا نماید.

۱۱- ضمانت جبران خسارت در جرائم زیست محیطی

جرائم زیست‌محیطی با چالش‌ها و گرفتاریهای بسیار متعددی دست و پنجه نرم می کند که موجب می‌شود نتوان همچون جرائم ساده به ترمیم خسارات ناشی از آنها دست زد و چاره ای اندیشید. ابتدا آنکه در برخی مواقع بزهکار و مجرم زیست‌محیطی یا دولت است (مانند سدسازی‌های بی‌رویهٔ دولت‌ها) یا شرکت‌های قدرتمند (مانند شرکت‌های تولیدکنندهٔ محصولات تراریخته) که در پس لابی‌های ثروت_قدرت به اعمال و کردار ناقض محیط زیست اقدام نموده و خود ناقض قوانین شده و با قدرت و بدون پاسخگویی آسیب جدی به محیط زیست وارد می نمایند. دوم آنکه بزهدیدگان و آسیب دیدگان جرائم زیست‌محیطی گاه به‌حدی زیاد هستند و مشمول افراد و اشخاص متعددی هستند که نمی‌توانیم جبران خسارات در خور و متناسب را در مورد ایشان اعمال نماییم، مانند قربانیان آلودگی هوا، ریزگردها و آب آشامیدنی ناسالم. سرانجام آنکه جبران خسارت زیست‌محیطی مبتنی‌بر نظریهٔ مسئولیت محض می باشد، درحالی‌که مسئولیت مدنی در نظام حقوقی ایران برپایه نظریهٔ تقصیر می باشد و از این جهت پویایی لازم برای جبران خسارات جرائم زیست‌محیطی را ندارد. با وجود همه این مسائل و دلایل این هم در حقوق بین‌الملل و هم حقوق ایران جبران خسارات جرائم زیست‌محیطی از یک‌طرف ماهیتی ترمیمی را با خود یدک می کشد و از طرف دیگر بر دیدگاه‌های بزهکارمدار و دولت‌مدار استوار می باشد. ازاین‌رو ابتدا اینکه بزهکار موظف و مکلف بر اعادهٔ وضع به حالت سابق دارد و در غیر این صورت، موظف به جبران ضرر و زیان بوده و الزام به ترمیم و اعاده وضع به حالت سابق دارد. اما در صورت ناتوانی بزهکار، دولت در پرتو صندوق زیست‌محیطی موظف ومکلف به جبران خسارت بوده و باید بعنوان شخص حقوق عمومی و نهاد مجری اقدام به ترمیم و کاهش خسارات کند.

رویکردی که حقوق محیط زیست در حفاظت از محیط زیست دارد مبتنی برتعامل با اشخاص حقوقی آلاینده زیست محیطی می باشد. به عبارت دیگر و از دریچه دیگر این رویکرد اعتقاد راسخ داشته که در کنار نظارت و توأم با فعالیتهای خطرناک شرکت های آلاینده محیط زیست، با گفت و گو ، مذاکره، هم اندیشی، آموزش، افزایش علاقه و انگیزه و تشویق این شرکت ها، بهتر، ساده تر، با اطمینان تر و تندتر و با صرف هزینه کمتری می توان به مقصود و غرض حمایت و حفاظت پیشگیرانه از محیط زیست اقدام نوده و به راحتی محسط زیستی سالم داشته باشیم (قدسی ، ۱۳۹۳: ۱۸۷).

رویکرد همکاری گرایانه بر هشدار و تلنگر و یادآوری قواعد و هنجارها و مقررات زیست محیطی به شرکت های آلاینده محیط زیست تأکید و اصرار نموده و حتی المقدور از طرح شکایت و پرونده سازی در مراجع قضایی در خصوص بروز و ظهور جرائم زیست محیطی امتناع و اجتناب می نماید. طرفداران این سبک و راه حل کم هزینه بودن، سریع بودن، سازنده بودن ر ا به عنوان مزایای آن در برابر رویکردهای حقوق مسئولیت مدنی و حقوق کیفری بیان نموده و معتقد هستند روشی ضمانتی جهت کاهش آسیب زیست محیطی هستند با این حال در ارزیابی کارآمدی و کفایت این دیدگاه برای حفاظت از محیط زیست حتما باید عنوان نماییم، این رویکرد با گرفتاری و معضلاتی جدی همراه می باشد که از کارایی آن برای اثرگذاری مناسب حول وحوش بعضی از وضعیتها کاهش می دهد (قاسمی ، ۱۳۹۴: ۷۵).

به دیگر سخن یکی دیگر از اهرم های اصلی و اساسی در حقوق محیط زیست پیگیری جدی و اقدام عملی و حق دادخواهی تشکل های مردم نهاد در دعاوی زیست محیطی به ویژه از جنبه مسئولیت مدنی می باشد. در ماده ۶۴ قانون آیین دادرسی کیفری، شکایت شاکی یا مدعی خصوصی، اعلام و اخبار ضابطان دادگستری، مقامات رسمی یا اشخاص موثق و مطمئن، وقوع جرم مشهود در برابر دادستان یا بازپرس، اظهار و اقرار متهم و اطلاع دادستان از وقوع جرم به طرق قانونی دیگر به عنوان جهات قانونی شروع به تعقیب دادستان بیان گردیده و آنها را به منزله ایجاد و تشکیل پرونده و زبان گویای جامعه می شمارد.

لذا اشخاص خصوصی قادر خواهند بود جرائم زیست محیطی را به دادسراها اعلام وصول نموده و شخصا اعلام کنند و دادسرا به عنوان نماینده منافع عمومی می تواند تعقیب کیفری را آغاز کرده و بدون اغماض در برابر مجرم و متخلف بایستد. اما به موجب ماده ۶۶ قانون آیین دادرسی کیفری، سازمان های مردم نهادی که اساسنامه آنها در زمینه حمایت از محیط زیست، منابع طبیعی، میراث فرهنگی، بهداشت عمومی و حمایت از حقوق شهروندی می باشد، این حق را به شخصه دارند که نسبت به جرائم ارتکابی در زمینه های فوق اعلام جرم نمایند و در کلیه مراحل دادرسی نیز حاضر یوده و از نزدیک شاهد بررسی پرونده باشند. ضمانت های

قانونی، مخرب محیط زیست را موظف و متعهد به جبران خسارات ایراد شده نموده است. این جبران به صورت متعدد و متنوع مانند اعاده طبیعت به وضع اولیه، پرداخت هزینه ترمیم و اصلاح تخریب شکل پذیرفته و قابل پیگیری است (کاتوزیان، ۱۳۹۷ : ۶).

۱۲- نتیجه گیری و پیشنهادها

مسئولیت ناشی از تخریب محیط زیست دارای ماهیت دوگانه حقوق عمومی و خصوصی است. از جهتی چون دولت بر فعالیتهای مختلف تولیدی و صنعتی نظارت دارد و می‌تواند از کار و فعالیت کارخانه‌ها و کارگاه‌های تولیدی و صنعتی که آلوده کننده محیط زیست باشند جلوگیری و به عنوان شاکی و یا مدعی خصوصی از مخربان طبیعت شکایت کند، زیرمجموعه حقوق عمومی قرار می‌گیرد و از جهت دیگر در مواردی که علاوه بر طبیعت بر اشخاص نیز خسارت جسمی یا مادی وارد شود، اشخاص می‌توانند مطابق قوانین مرتبط با مسئولیت مدنی جبران خسارت خود را مطالبه کنند که از این جهت موضوع ذیل حقوق خصوصی قرار می گیرد. رسیدن به وضعیت مناسب و قابل قبول و کنترل و حمایت بهتر از محیط زیست مستلزم تغییر و تحولات زیادی در نظام حقوقی می باشد. سیاستهای کیفری ایران در زمینه جرم انگاری تخریب محیط زیست محتاج تغییرات و تحولات و دگرگونی های بسیاری می باشد. عدم انسجام قوانین، خلاء ضمانت اجرای مؤثر، عدم بازدارندگی ضمانت های فعلی در خصوص تخلفات اشخاص حقوقی از معضلات سیاست کیفری در برابر جرائم زیست محیطی می باشد. بیشتر جرائم ذکر شده و بیان شده در قانون دارای مجازات های حبس یا جزایی نقدی هستند که رویه دادگاهها و قضات تبدیل حبس به جزای نقدی می باشد که این مجازات اخیر با توجه به شرایط اقتصادی کشور عملاً کارایی لازم را با خود بهمراه نداشته و پاسخگوی جبرات خسارات نیست. عدم جرم انگاری واضح و آشکار و خاص در خصوص دخل و تصرف اراضی و یا ساخت و ساز در مناطق تحت حفاظت از جمله خلاءهای موجود در نظام کیفری است.

در مقام ارزیابی مقررات کیفری در حوزه محیط زیست، می توان بیان نمود که به رغم وضع و اعمال برخی از مجازات ها، به دلیل مسائل مختلف مانند سود ناشی از این جرائم در مقابل ناچیز بودن جزای نقدی، پایین بودن میزان احتمال کشف اینگونه جرائم و عدم تناسب میان اثرات و تبعات حاصل از جرائم زیست محیطی با مجازات تعیین گردیده، عملاً نقش مؤثری در بازدارندگی و پیشگیری جرائم زیست محیطی نداشته چرا که اصولاً رویکرد حقوقی اتخاذ شده در ایران برای مواجه با تخریب محیط زیست رویکردهای پسا واقع بوده و نمی توان اقدامی خاص نمود.

بهره مندی از محیط زیست سالم یکی از حقوق بنیادین اشخاص بوده و نقش بسیار حیاتی بازی می کند که در قانون اساسی نیز مورد توجه بوده و در اصول آن جا دارد. علاوه بر اشخاص خصوصی که متعهد به جلوگیری از آلودگی محیط زیست می باشند، نهادهای دولتی هم در این حوزه از مسئولیت بسیار بالای اثرگذاری برخوردار هستند. حفاظت از محیط زیست مستلزم حاکمیت یک سری اصول بر عملکردها و نیز مبنای موثر مسئولیت در قبال خسارات زیست محیطی می باشد. نقش قوه قضائیه در این حوزه شامل نظارت و پیشگیری فراگیر و فعالانه، تعقیب فراگیر و فعالانه و جبران های قضایی اثرگذار بوده و غیرقابل کتمان است.

جبران خسارات و مسئولیت بین الملل در زمینه حفاظت از محیط زیست بسیار اهمیت دارد زیرا محیط زیست مخصوصا مشترکات جهانی به دولت و کشور خاصی تعلق ندارد و متعلق به همه افراد بشر می باشد و باید با خاطی و دولتی که باعث آسیب رساندن به این مشترکات می شود برخودی صورت بگیرد و مسئولیتی برای آن پیش بینی شود.

با توجه به کاستی موجود در حقوق کیفری محیط زیست، راهکارها و پیشنهادهای ذیل ارائه می شود:

– آسیب شناسی جامع قوانین و مقررات زیست محیطی و احصاء خلاءها، کاستیها و ابهامات موجود به منظور تدوین نظام جامع حقوق محیط زیست

– مجازات تکمیلی به خصوص برای اشخاص حقوقی از قبیل انتشار حکم محکومیت، لغو مجوز فعالیت، تکلیف به اعاده به وضع اولیه، کاهش معافیتهای قانونی، پرداخت ضرر و زیان با توجه به کلیه خسارات وارده و همچنین محدودیتهای اجتماعی مد نظر قرار گیرد.

– برگزاری دور ه های آموزشی زیست محیطی برای ضابطین دادگستری و استفاده از قضات متخصص در حقوق محیط زیست در دعاوی زیست محیطی

– حمایت عملی از حق نظارت سازمان های مردم نهاد موضوع ماده ۶۶ اصلاحی قانون آیین دادرسی کیفری

– آموزش و فرهنگ سازی مؤثر از طریق تدوین سرفصل های نظام آموزشی و بهره گیری از رسانه ملی

محیط زیست به طور کلی دربرگیرنده محیطی است که انسان و حیوان در آن زندگی می‌کند و به این اعتبار، جرایمی که علیه نباتات و حیوانات صورت می‌گیرند به نوعی برگشت پیدا می‌کنند به انسان. چون نهایتا این انسان است که از منابع طبیعی (حیوانات و نباتات) استفاده می‌کند.

با تعریف فوق جرم‌انگاری اعمالی که علیه نباتات و حیوانات صورت می‌گیرد در مقام حمایت از انسانی است که در این محیط زندگی می‌کند و محیط نیز اعم از محیط زمینی و دریایی و هوایی است و بطور کلی قانونگذار در مقام تأمین آرامش و آسایش و رفاه برای موجود انسانی است که بهره بردار نهایی محیط است.

منابع

- ابطحی، شراره و نجفی توانا، علی (۱۳۹۷) آسیب شناسی ناکارآمدی حفظ محیط زیست و حقوق ناشی از آن در ایران و مقایسه آن با برخی شاخصهای جهانی فصلنامه تحقیقات حقوقی معاهده، ۴، صص ۲۶۷-۲۴۱ .
- آریان پور، حسن (۱۳۵۰) آلودگی هوا و مواد رادیو اکتیو در سطح جهانی، مجموعه مقالات سمپوزیوم آلودگی هوا ، انجمن نفت ایران.
- افتخار جهرمی، گودرز (۱۳۸۴). "تحول حقوق محیط زیست در عرصه بین الملل"، مجموعه، مقالات همایش حقوق محیط زیست، بخش بین الملل سازمان محیط زیست، تهران.
- ایزدی خواه نصر الله و گرجی فرد حمیدرضا (۱۳۹۴) نقش ضمانت اجراهای حقوقی و کیفری در حمایت از محیط زیست با تأکید بر قانون حفاظت از جنگلها و مراتع فصلنامه علمی تخصصی قضاوت ۸۲ : ۱۲۶-۹۷
- بشیرزادگان فرشاد (۱۳۹۹) محیط زیست ایران و جرم دخل و تصرف اراضی ملی (مطالعه موردی: مناطق تحت حفاظت گزارش پژوهشی سازمان بازرسی کل کشور، ۱۳۰، صص ۱۰۹۱
- پناهنده، سید بهرام و رنجبر مسعودرضا (۱۳۹۸) بررسی مبانی و مستندات قانونی ناشی از خسارت مربوط به محیط زیست در حقوق ایران فصلنامه تحقیقات حقوقی تطبیقی ایران و بین الملل، ۴۴: ۱۷۰-۱۴۹
- تقی‌زاده انصاری، مصطفی (۱۳۸۶) حقوق کیفری محیط زیست ، نشر قومس، تهران.
- تقی زاده انصاری، مصطفی (۱۳۹۴) حقوق محیط زیست در ایران، انتشارات سمت، تهران.
- حیاتی علی عباس (۱۳۹۳) مفهوم اصل احتیاط و جایگاه آن در مسئولیت مدنی پژوهشنامه حقوق اسلامی ۱۰: ۳۳-۲۵
- حیدری فلورا و قاسمی ناصر (۱۳۹۳) جبران زیانهای وارده بر محیط زیست از منظر حقوق مدنی»، دانشنامه حقوق و سیاست، ۲، : ۶۷۸۸
- خانپور، لیلا و رحیمی محمد مهدی و پیوندی رضا (۱۳۹۱) تحلیل و بررسی نقش قوانین کیفری ایران در حفاظت از محیط زیست و توسعه پایدار مقاصد گردشگری، فصلنامه علمی پژوهشی نگرشهای تو در جغرافیای انسانی، ۴، صص ۸۷-۵۹
- دبیری، فرهاد و سایرین (۱۳۸۹)، «بررسی برخی چالشهای حقوقی مناطق تحت حفاظت تحت مدیریت سازمان محیط زیست در استان گیلان فصلنامه علوم و فنون منابع طبیعی، ۳، صص ۱۱۴-۱۰۰
- رجبی، عبدالله (۱۳۸۸) بررسی معیارهای ویژه در طراحی نظام مسؤولیت مدنی خسارات زیست محیطی (مجموعه مقالات حقوق محیط زیست چاپ اول تهران: انتشارات خرسندی
- رمضان قوام آبادی محمد حسین (۱۳۹۲) بررسی تطبیقی اجرای اصل احتیاط زیست محیطی در پرتو آرا و تصمیمات مراجع بین المللی فصلنامه پژوهش حقوق عمومی، ۴، صص، ۱۱۴-۱۰۱
- رمضانی قوام آبادی محمد حسین (۱۳۹۰) پیشگیری و سرکوب جرائم زیست محیطی در پرتو اقدامات سازمانهای غیر دولتی در نظام حقوقی ایران مجله حقوقی دادگستری ۷۵، صص ۲۲۵-۱۹۹
- ۱۶. زراعت، عباس (۱۳۸۷). شرح قانون مجازات اسلامی، بخش تعزیرات، دانشگاه کاشان.
- شریعت پناهی، محمد (۱۳۹۳). مبانی بهداشت محیط، تهران، مؤسسه انتشارات و چاپ دانشگاه تهران.
- عابدی، زهرا ؛ ریاحی، مهدی ؛ صالحی، صالح (۱۳۹۳). تجزیه و تحلیل اقتصادی جرائم زیست محیطی در ایران و مشکلات اجرایی آن فصلنامه علوم و تکنولوژی محیط زیست، ۴، صص ۱۸۷-۱۷۵ .
- علوی، محمد یوسف (۱۳۸۸)"مبانی فقهی در زمینه محیط زیست"، مجموعه مقالات اولین همایش اسلام و محیط زیست، تهران.
- قاسمی، ناصر (۱۳۹۱). حقوق کیفری محیط زیست، انتشارات جمال الحق، تهران.
- قوه قضائیه (۱۳۸۴) مجموعه مقالات نخستین همایش حقوق محیط زیست، انتشارات برگ زیتون، تهران.
- کنفرانس بین المللی محیط زیست در ریو (۱۳۷۳) ترجمه احمد لواسانی، مؤسسه چاپ و انتشارات وزارت امور خارجه، تهران.
- میرمحمد صادقی، حسین (۱۴۰۰) جرائم علیه امنیت وآسایش عمومی، نشر میزان.
- نقیبی، ابوالقاسم (۱۳۸۹). محیط زیست و حقوق آن از منظر قرآن کریم ، فصلنامه فقه و تاریخ تمدن ، صص ۱۷۷- ۱۹۵
- نجفی ابرند آبادی، علی حسین (۱۴۰۰). جرم شناسی حقوقی (درآمدی بر جرم شناسی حقوقی کیفری عمومی)،تهران، میزان.